

عربستان امیدوار بود که آمریکا در رقابت‌های منطقه‌ای جدید حامی تمام‌عیار ریاض باشد، اما انفعال دولت ترامپ در برابر حمله به تأسیسات نفتی آرامکو در عربستان در سال ۲۰۱۹ یک شوک بزرگ سیاسی به ریاض و بن سلمان وارد کرد.

این‌گونه بود که عربستان پی برد دوران خوش تکیه بر حمایت‌های آمریکا به سر آمده و باید با واقعیت‌های دنیای جدید کنار بیاید. از این زمان به بعد بود که حرکت عربستان برای تقویت روابط با قدرت‌های آسیایی نظیر چین، روسیه و هند شتاب بیشتری گرفت، اما هیچ‌یک از این قدرت‌ها نه توان تأمین امنیت عربستان را دارند و نه علاقه زیادی به این کار دارند. با اینکه روسیه بیشتر از چین مایل است از نظر امنیتی به ریاض نزدیک شود، باز هم نمی‌تواند مانند آمریکا در مقابل رقبای عربستان از ریاض حمایت کند و به‌طور کلی تمایلی به این کار ندارد؛ زیرا مسکو می‌داند در صورت حمایت بیش از حد از عربستان، روابط آن با ایران و ترکیه تحت تأثیر این امر قرار خواهد گرفت و سیاست خاورمیانه‌ای مسکو به شکل مطلوبی پیش نخواهد رفت. سیاست اساسی مسکو در منطقه، حفظ فاصله یکسان با قدرت‌های منطقه‌ای است. بن سلمان تاکنون موفق به یافتن جانشینی برای رابطه با آمریکا نشده و همین امر نگرانی‌های او را درباره‌ی دوران انتقال قدرت و پس از آن دوچندان می‌کند. ریاض به خوبی می‌داند که رقبای منطقه‌ای اش از جمله ایران، ترکیه و حتی قطر می‌توانند در فرایند انتقال قدرت تأثیرگذار باشند و در صورتی که تعهد امنیتی آمریکا در برابر عربستان به هر دلیلی تضعیف شود، این بازیگران منطقه‌ای می‌توانند ثبات و امنیت داخلی عربستان را به صورت جدی تهدید کنند و نتیجه این امر، کاهش مشروعیت و اقتدار بن سلمان در داخل عربستان خواهد بود. از طرف دیگر، ادامه اصلاحات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی داخلی به شدت به وجود ثبات و امنیت و اقتدار در داخل وابسته است. برای اجرای پروژه کلانی مانند عربستان ۲۰۳۰، صرفاً نبود تهدید در داخل کافی نیست، بلکه بازیگران مؤثر و اصلی در نظام بین‌الملل و منطقه باید با بن سلمان همراهی کنند تا این پروژه در عمل پیش برود. آمریکا می‌توانست از نفوذ و حضور خود در عربستان در هر دو مورد استفاده کند، اما با کاهش امکانات و انگیزه‌های واشنگتن برای نقش‌آفرینی در منطقه، اعتماد به آمریکا در فرایند انتقال قدرت چندان آسان نخواهد بود.

ترکیه

ترکیه به دلیل روابط نزدیکی که از گذشته با غرب داشت و نیز به عنوان عضوی از ناتو و مجموعه امنیتی غرب بیشتر از سایر کشورهای منطقه از بحران مالی ۲۰۰۸ و تغییر در نظم بین‌المللی تأثیر پذیرفت، اما از طرف دیگر، گستردگی تعاملات با غرب و شناختی که نظام سیاسی ترکیه از غرب داشت، به آنکارا این فرصت را داد که در قیاس با سایر بازیگران منطقه شناخت دقیق‌تر و نزدیک‌تری از ماهیت تغییرات در نظام بین‌الملل داشته باشد. بوروکراسی سنتی قدرتمند و مستقل ترکیه هم این امر را تسهیل کرد. در این میان، نقش اردوغان به عنوان یک رهبر مقتدر در سیاست ترکیه حائز اهمیت بود. حزب عدالت و توسعه بعد از بحران سیاسی دهه ۱۹۹۰، توانسته بود در ترکیه یک دولت با ثبات تشکیل دهد، در نتیجه اجرای برخی سیاست‌ها و تغییر سیاست سنتی کمالیستی ممکن شده بود.

اصولاً ترکیه بعد از دوران آتاتورک با یک تنگنای ایدئولوژیک در سیاست خارجی خود مواجه بوده است که برآمده از رویکرد وی به سیاست خارجی ذیل شعار «صلح در خانه، صلح در بیرون» بود. بر این